

# شرعی سازی فحش و ناسزاگویی

## نزاهت و پاک بودن بودن اسلام

از ادعای صاحبان اندیشه های گمراه مبنی بر جواز بدزبانی و ناسزاگویی با تحریف و پرداختن نادرست از این فرموده خداوند: (لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسَّوِّ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا) [النساء: ۱۴۸] «خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را جز از [جانب] کسی که مورد ستم واقع شده باشد، دوست ندارد و خداوند شنوای داناست»



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين  
سيدنا محمد المبعوث رحمة للعالمين وعلى آله وصحبه أجمعين

## دین زیبایی ها

**در این برههٔ اخیر صدایی بدآهنگ و نازیبا بلند شده  
و مدعی است که در قرآن برای بدزبانی، ناسزاگویی  
و دشنام ترازوی دلائلی در قرآن و حدیث یافته می شود!**

آنچه مسلم و واضح است این که اسلام مؤمنین را به سوی سخن نیکو و عمل زیبا فرا خوانده و آنان را به خوشرفتاری و اخلاق نیکو و دوری گزیدن از امور نازیبا و ناهنجار تشویق و ترغیب می نماید.

اما چه بسا ممکن است که فردی بپرسد که آیا اسلام به فرد ستمدیده اجازه نداده است تا به کسی که بر وی ستم روا داشته است، ناسزا گفته و علیه او زبان بد گشاید؟ چنان که خداوند فرموده است: ﴿لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا﴾<sup>۱</sup> «خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را جز از [جانب] کسی که ستم دیده باشد، دوست ندارد. و خداوند شنوای داناست»

اخیرا صدایی ناهنجار بلند شده و امری شگفت را ادعا می کند و آن این که برای بدزبانی و ناسزاگویی دلالی در قرآن و احادیث یافته می شود!  
بنابراین، آیا معقول و منطقی است که خدا و رسولش ﷺ به سوی بدزبانی فرمان دهند، به ویژه برای فرد ستمدیده در برابر ستمکار؟



## انقطاع سند ❖❖❖ انحراف در فهم

خداوند با بعثت سیدنا محمد ﷺ به رسالت آسمانی اش پایان بخشید و پس از وی دینش را به وسیله علمای این امت که آن را با سند متصل دریافت کرده اند، پاسداری نمود و این فهم درست با این سند متصل ادامه پیدا کرد تا این که افرادی روی کار آمده و این سلسله سندی را تغییر دادند و از دیوارهای این دین بالا رفته و از غیر دروازه آن وارد شدند.

لذا برداشت اصحاب افکار منحرفه از این آیه در مورد کسی که مورد ستم قرار گرفته است، چیست؟

- فرد ستمدیده و مظلوم حق دارد تا ستمکار را ناسزا گفته و او را با الفاظی ناشایست و قبیح مخاطب سازد.
  - اساسا بدزبانی و ناسزاگویی در مقابله بدی قرار دارد.
- از این رو اعطای این حق به فرد مظلوم منجر به شیوه بداخلاقی شده است.

## انقطاع سند ❖❖❖ انحراف در برداشت ❖❖❖ اندیشه بیمار

سبب این افراد بدزبانی و گفتار نازیبا را به الله جل جلاله و پیامبر بزرگوارش ﷺ نسبت می دهند و این در واقع به معنای اجابت کردن به کشمکشهای روانی پریشانگری است که به ناچار باید مأوا و پناهگاه شرعی را جستجو نمایند تا آنها را بر اجرای خشم و بی ملاحظگی و بدزبانی با بداخلاقی و سخن نازیبا کمک کند و انگهی ادعا کنند که این کار جواز شرعی دارد و حتی عمل به آن مطلوب و خواسته شرع است.

### شبهه اول

دلیل از این آیه قرآن: **﴿عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ﴾**<sup>۲</sup> «علاوه بر اینها کینه توز و پرخور، و خشن و بدنام است»

**فهم و برداشت غلط:** جواز بد زبانی و ناسزاگویی به صورت مطلق و بدون استثنا.

فهم و برداشت درست: این توصیف به حالت فرد مشخصی است که حقیقت آن از مردم پنهان بود. (عتل زنیم) به کسی گفته می شود که خود را به قومی نسبت دهد که از آن قوم نباشد و این آیه در مورد ولید بن مغیره نازل شد و یا منظور کسی است که به بدی و شرارات مشهور باشد.<sup>۳</sup>

۲ القلم: ۱۳

۳ مفاتیح الغیب، فخر رازی، تفسیر سوره قلم (۶۰۷/۳۰)، جامع البیان طبری، تفسیر سوره قلم (۱۶۴/۲۳)، ابن کثیر (۲۱۲/۸)، تفسیر ابن عطیه (۳۴۷/۵) و تفسیر قرطبی (۲۳۱/۱۸).

## شبهه دوم

خداوند فرموده است: ﴿وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحَمَّلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَ كَهَ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا﴾<sup>۴</sup>، «و او به پستی گرایید و از هوای نفس پیروی کرد، او همانند سگ است که اگر به او حمله کنی دهانش باز و زبانش بیرون است و اگر او را به حال خود واگذاری باز چنین است، این مثل مثالی است برای کسانی که آیات خدا را تکذیب کنند»

و نیز فرموده است: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ﴾<sup>۵</sup> «کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند مانند درازگوشی هستند که کتابهایی حمل می کند (آن را بر دوش می کشد اما چیزی از آن نمی فهمد) گروهی که آیات خدا را انکار کردند مثال بدی دارند»

**فهم و برداشت غلط:** چسبانیدن و نسبت دادن صفت نقص و عیبدار، یعنی بدزبانی به خداوند. حال آن که خداوند از آنچه به او نسبت می دهند پاک و برتر است و منشأ این آفت، دور ماندن از ادبیات عرب در تشبیه و تفاوت آن با صفت است.

**فهم و برداشت درست:** در این مورد زبان عربی داور و حکم است، زیرا زبان عربی گویای اندیشه آنان است و در ادبیات عرب داستان شاعری وجود دارد که به مدح یکی از خلفا پرداخته و می گوید: ای خلیفه! «تو در وفاداری مانند سگ و در جنگها و نبردها مانند قوچ هستی.» منظور وی در اینجا توصیف و تعریف وی در قالب ضرب المثل است نه این که او را ناسزا گفته و بد و بیراه گوید.

خداوند مثال این افراد را به الاغی زده است که مقداری کتاب را بر خود حمل نموده است و بهره آن از حمل این کتابها فقط حمل آنها بوده و درک و فهمی از آنان ندارد.

چنانچه اگر آن را پند و اندرز دهی، چیزی نمی فهمد و اگر آن را رها سازی باز هم گمراه است، مانند سگی که اگر به آن حمله کنی دهانش باز و زبانش بیرون است و اگر آن را به حال خود واگذاری باز چنین است. ﴿وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سِوَاءَ عَلَيْهِمْ أَدْعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ﴾<sup>۶</sup>، «اگر شما بخواهید آنها را هدایت کنید، از شما پیروی نخواهند کرد، برای شما مساوی است، خواه آنها را، دعوت به سوی حق کنید و یا در برابرشان خاموش باشید.»

۴ الأعراف: ۱۷۶

۵ الجمعة: ۵

۶ الأعراف: ۱۹۳

بنابراین منظور از این آیات، بیان زشتی این وضعیت و متنفر ساختن مردم از آن و دعوت کردنشان به سمت کمالی است که دربرگیرنده پیروی از احکام شرعی و اطاعت از الله و رسولش است.<sup>۷</sup>

## لذا آفت نسبت دادن صفت بدزبانی و فحش، دور ماندن از فهم قواعد زبان عربی در تشبیه و تفاوت آن به صفت است.

### شبهه سوم

دلیل: سخن ابوبکر صدیق رضی الله عنه: «شرمگه لات (معبود مشرکان) را بِمَک و نیز سخن حمزه بن عبدالمطلب رضی الله عنه: ای پسر زن ختنه گر».

**برداشت غلط:** وقتی این گونه الفاظ از صحابه کرام سرزد شده اند، پس جایزند.

فهم و برداشت درست: رویدادها و حالت‌هایی که از غیر معصوم روی داده است، شایستگی آن را ندارند تا در برابر آنچه پیامبر معصوم صلی الله علیه و آله به عنوان قانون مقرر فرموده است، حجت باشند.

درست نیست که ما از سیره مردی که سراسر حیات و زندگی اش مملو از اخلاق نیکو و خصلت‌های برازنده بوده است، تغافل نماییم و آنگاه یک حکم نادری را که فقط یکبار در ندگی اش تکرار شده است، را به عنوان اصل و قانون قرار داده و آن را مبنای باورهای خویش سازیم.

چرا که سخن سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه بالفرض صحت انتساب این سخن به وی، زمانی سرزد شده است که در زجر و بازداشتن عروه بن مسعود مبالغه نمود، چون از این سخنش به خشم آمد که به آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «من دسته‌هایی از مردم را در اطرافت می بینم که پا به فرار گذاشته و تو را تنها رها کنند».

و نیز حضرت حمزه این سخن را در غزوه احد به سباع بن عبدالعزی گفت و در میدان جنگ او را مورد نكوهش قرار داد، آن هم در میدان کارزار و اوج خشم و غضب، زیرا که مادرش؛ ام انمار در مکه شغل ختنه‌گری داشت.

لذا در اینجا تفاوت بین صدور الفاظ نامناسب در لحظه خشم و بین تلاش برای رنگ شرعی دادن فحش و ناسزاگویی و قرار دادن آن به عنوان اصل شرعی و انتشار آن مبنی بر این که از جمله سنت‌هاست، آشکار می‌گردد.

<sup>۷</sup> تفسیر التحرير والتنوير، الظاهر ابن عاشور (۲۱۳/۲۸)، تفسیر زادالمسیر ابی الفرج جوزی (۲۸۱/۴) و تفسیر قرطبی (۹۴/۱۸).

رسول خدا ﷺ فرمود:

” مؤمن طعنه زن، نفرین کننده، دشنام تراز و بدزبان نیست.“

### اصل در رهنوهای نبوی ﷺ

سنت مطهر پیامبر ﷺ اصل و قانون را در اخلاق مسلمان به هنگام تعامل با فرد مخالف و بد کننده بیان کرده است، از آن جمله آن حضرت ﷺ فرموده است: حضرت عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که برخی از یهود به محضر آن حضرت ﷺ آمده و (به جای السلام علیکم) گفتند: السلام علیکم، (یعنی مرگ بر تو) آنگاه عایشه گفت: مرگ بر شما و نفرین و خشم الله بر شما باد. آنگاه رسول خدا ﷺ فرمود: «آرام باش ای عایشه! آرام باش و از خشونت و تندی و نازاگویی دوری کن.» عایشه گفت: مگر نشنیدی که آنان چه گفتند؟ پیامبر ﷺ فرمود: «مگر تو نیز نشنیدی که من به آنان چه پاسخ دادم؟ من نیز به آنان جواب دادم و دعای من بر علیه آنان قبول می شود اما دعای آنان علیه من قبول نمی شود.»<sup>۸</sup>

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «مؤمن طعنه زن، نفرین کننده، دشنام تراز و بدزبان نیست.» جابر بن سمره رضی الله عنه می گوید: من در مجلسی که رسول خدا ﷺ در آن حضور داشت و ابوسمره نیز روبروی من قرار داشت، نشسته بودم. آن حضرت ﷺ فرمود: «همانا ناسزاگویی و بدزبانی از اسلام نیستند و همانا بهترین مسلمان خوش اخلاقترین آنهاست.»<sup>۹</sup>

### اتصال سند ■■■ فهم درست

علمای امت برداشت درستی از این آیه داشته و به صورت شفاف معنای آن را اظهار داشته اند و اینک برخی از دیدگاههای صحابه، تابعین و مفسرین را در ذیل ذکر می نمایم:

دیدگاه دانشمند امت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما (۷۱هـ):

خداوند دوست ندارد که فردی علیه کسی دیگر دعای بد کند مگر کسی که مظلوم واقع شده باشد، لذا به وی اجازه داده شده تا علیه ستمگر دعای بد کند و همین است منظور از: «إِلَّا مَنْ ظَلَمَ» و اگر صبر اختیار کند، برایش بهتر است.<sup>۱۰</sup>



۸ بخاری (۶۰۳۰).

۹ ترمذی (۱۹۷۷).

۱۰ ابن کثیر ۲/۴۴۲.

حسن بصری (۱۱۰هـ):

در این آیه مراد فردی است که بر دیگری ستم می کند، لذا علیه او دعای بد نکند، بلکه بگوید: خدایا مرا علیه او کمک و یاری کن و حقم را از او بگیر. و در روایت دیگری آمده است: به او اجازه داده شده است که علیه ستمگر دعای بد کند اما از حد تجاوز نکند.<sup>۱۱</sup>

مجاهد (۱۰۴):

مراد این آیه فردی است که از کسی می خواهد تا او را میهمانی کند اما او ابا می ورزد و از او پذیرایی نمی کند، لذا به او اجازه داده شده است تا این رفتار وی را برای مردم بازگو کند و بگوید: از من پذیرایی به عمل نیاورده و میهمانی ام نکرده است.<sup>۱۲</sup>

## اتصال سند فهم درست سلسله اسناد

علمای امت بر این فهم و برداشت درست اتفاق نظر دارند و معتقدند که عفو و گذشت بهتر است و از تفسیر آن به ناسزاگویی و فحش به شدت فاصله دارند و ما این نوع برداشت را در همه کتب تفسیر مشاهده می کنیم، به عنوان مثال:

علمایی که آیه را با فهم درست و سند مستقیم تفسیر کرده اند:

تفسیر ابن جریر طبری ۳۱۰ هـ	تفسیر مقاتل بن سلیمان ۱۵۰ هـ
معانی القرآن و اعرابه لزجاج ۳۱۱ هـ	تفسیر صنعانی ۲۱۱ هـ
تفسیر ثعلبی ۴۲۷ هـ	ابن ابی حاتم ۳۲۷ هـ
تفسیر بغوی ۵۱۰ هـ	تفسیر سمعانی ۴۸۹ هـ
تفسیر البحر المحیط ۷۴۵ هـ	تفسیر المحرر الوجیز ابن عطیه ۵۴۲ هـ
تفسیر رازی ۶۰۶ هـ	تفسیر زادالمسیر ابن فرج جوزی ۵۹۷ هـ
تفسیر نسفی ۷۱۰ هـ	تفسیر عز بن عبدالسلام ۶۶۰ هـ
تفسیر قرطبی ۶۷۱ هـ	تفسیر خازن ۷۴۱ هـ
تفسیر ابوالسعود ۹۸۱ هـ	تفسیر جلالین ۸۶۴ هـ
تفسیر مراغی ۱۳۷۱ هـ	تفسیر فتح البیان فی مقاصد القرآن ۱۳۰۷ هـ



اگر به فهم علمای امت و صاحبان سند متصل مراجعه نشود، انحراف کوچک ادامه پیدا کرده و آنکهی گسترده می شود و با گسترده شدن انحراف در فهم مغلطه ها و فاجعه های بزرگی که دین و اهل آن را در می نوردد، روی می دهد.

### بارزترین اثری که با اشاعه فهم نادرست بر شریعت متجاوز می گردد

- گسترش الفاظ نازیبا و ناسزا به دلیل این که ریشه در دین دارند.
- ضعیف شدن منظومه اخلاق رفیع اسلامی در درون مردم.
- متصف شدن اسلام از طرف دشمنان و حتی برخی از افرادی که خود را به اسلام منتسب می کنند مبنی بر این که اسلام دینی است که به بداخلاقی و الفاظ نازیبا مشروعیت می بخشد.
- ایجاد این پندار در جوانان مسلمان که ناسزا گفتن ستمگر و فحش او با الفاظ زشت و قبیح از جانب شرع اشکالی ندارد و بلکه خواسته شرع است.

حسن بصری می گوید:

بر علیه او دعای بد نکند  
بلکه بگوید:  
خدایا! مرا بر او یاری کن  
و حقم را از او بگیر

خدایا! خانه اش را  
آتش بزکن



خدایا! یاری ام کن





## خلاصه

- اسلام در تمام حالتها و شرائط با بنی آدم به سخن نیکو امر نموده و تشویق می کند.
- اساسی ترین قانون دین اسلام، نهی از ناسزاگویی و بدزبانی است.
- امری بسیار خطرناک است این ادعای برخی از منتسبین جریانهای افراطی که یاد کردن فرد ستمگر با الفاظ زشت و نازیبا امری منصوص علیه از جانب شریعت اسلامی است و جنایت بزرگتر آن است که تلاش شود تا بد زبانی و گفتار نازیبایی که بسیاری در ورطه آن افتاده اند رنگ شرعی داده شود.
- حمایت و رهبری جامعه اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است تا بازپچه کسانی قرار نگیرد که دین را مورد تشویش و دستبرد قرار داده و تلاش می کنند تا فحش و ناسزاگویی را در مقابله با ستمگران، رنگ و صبغه شرعی دهند، تا شخصیت مسلمان در میان میراثی که آنان را به خوش اخلاقی تشویق نموده و مدعیانی که تمرین و ممارست بدی پرداخته و آن را در جامعه تبلیغ می کنند، دستخوش تحول و اظطراب نگردد.
- این آیه: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» هیچ دلیلی برای ناسزاگویی و بدزبانی در مقابل فرد ستمگر نیست و حتی دلیلی برای کاستن جایگاه آن با الفاظ رکیک و ناخوشایندی که دین حنیف و زیبای ما از آن نهی به عمل آورده است، نمی تواند باشد.

«آیا جز محصول زبان، چیز دیگری انسان

را با چهره اش در دوزخ می اندازد؟»<sup>۱۳</sup>



## سلسله تحریف و ادعا

رسول خدا ﷺ فرمود: «به دنبال هر نسلی کسانی (که بهترند)، این علم را به دوش می کشند و آن را از تحریف گزاف کاران و دستبرد باطل گرایان و تأویل یاهو گویان، مصون می دارند.»

بنابراین، برخی از صاحبان اندیشه های منحرف کلام خدا و احادیث پیامبر ﷺ را به شیوه ای فهمیده اند که با منهج علمی به دست آمده از سلف صالح هماهنگ نیست و با مقاصد و ارزشهای بزرگ وحی الهی ناسازگار است.

آنان برخی از آیات قرآن کریم را که در شأن غیر مسلمانان نازل شده اند، مصداق امت اسلامی قرار داده و از آیاتی که در آنها استثنا وجود دارد، احکام عمومی صادر می کنند و معانی کلام الله و احادیث پیامبر خدا ﷺ تحریف می نمایند که این امر به رسوخ و یا ساختار مفاهیمی اشتباه در عقل و خرد عامه مسلمانان انجامیده و در نتیجه رفتار و منشهایی شکل می گیرد که هیچ ارتباطی به دین مبین اسلام ندارند.

ما از خلال این سلسله مطالب با اشتباهات و انحرافات دارندگان افکار باطله آشنا خواهیم شد که چگونه به تحریف معانی کلام خدا و احادیث پیامبر ﷺ پرداخته اند و در پاره ای از احکام شرعی که مبنایشان برداشتهای غلط بوده است به گمراهی و خطا رفته اند و در نتیجه از مراد الله و رسول الله ﷺ و فهم سلف صالح جدا شده و به انحراف افتاده اند.